

## زمینه‌ها و نحوه مواجهه با طلاق عاطفی میان زنان شهر یزد

حسین افراسیابی<sup>۱\*</sup>، رقیه دهقانی دارامرود<sup>۲</sup>

### چکیده

کاهش صمیمیت و گسست عاطفی یکی از چالش‌های خانواده معاصر است که افراد و گروه‌های مختلف به شیوه‌های گوناگونی آن را درک و تفسیر می‌کنند. هدف این پژوهش، کشف زمینه‌ها و نحوه مواجهه با طلاق عاطفی از طریق ادراک و معنای ذهنی زنانی است که درگیر این فرایند شده‌اند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای میان زنان شهر یزد انجام شد. در نمونه پژوهش ۳۳ نفر از زنان درگیر طلاق عاطفی مشارکت داشتند که از نظر سن، تحصیلات، تعداد سال‌های زندگی مشترک و فاصله سنی با همسر، متفاوت بودند. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته استفاده شد. داده‌ها با شیوه کدگذاری نظری تجزیه و تحلیل شد. براساس یافته‌ها، زنان مشارکت‌کننده، طلاق عاطفی را به صورت خلأ ارتباطی- حمایتی ادراک می‌کنند. بخشی از فرایند شکل‌گیری طلاق عاطفی به بستر نابسامان خانواده قبل از ازدواج بازمی‌گردد. پس از ازدواج نیز عواملی همچون ضعف تعهد همسری، خشونت و رسانه مخاطره‌آمیز در شکل‌گیری و تداوم فرایند طلاق عاطفی نقش دارند. نحوه واکنش و مدیریت زنان در مواجهه با طلاق عاطفی به صورت‌های کنش اصلاحی، پنهان‌سازی و تلافی‌جویانه بروز می‌یابد. در پایان، حمایت محوری به‌منزله راهکار کاهش طلاق عاطفی مطرح شد.

### کلیدواژگان

خلأ ارتباطی حمایتی، زمینه‌ها، زنان، طلاق عاطفی، کیفی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۴

## مقدمه و بیان مسئله

روابط خانوادگی و تعاملات بین زن و شوهر در جامعه جدید دچار چالش‌های جدی شده است. شواهد وجود این واقعیت را می‌توان در افزایش پرونده‌های طلاق و شلوغی راهروی دادگاه‌های خانواده و افزایش نرخ طلاق مشاهده کرد. این تغییرات خاص جامعه ایران نیست و اغلب جوامع معاصر را درنوردیده است. در دو دهه اخیر و با گسترش زندگی شهرنشینی، رواج ظواهر نوگرایی و تغییر شیوه زندگی مردم از سنتی به جدید و گسترش وسایل ارتباطی نوین، نظام خانواده در ایران دستخوش تغییراتی شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت این تغییرات با خود آسیب‌های فراوانی به همراه داشته است [۵]. خانواده، که نهادی برای برآورده کردن نیازهای عاطفی به حساب می‌آمد، به تدریج جایگاه خود را متزلزل یافت و مفاهیمی همچون روابط موزاییکی و طلاق عاطفی بر سر زبان‌ها افتاد.

افزایش طلاق عاطفی، به میزان درخور توجه و نگران‌کننده، یکی از این آسیب‌هاست. امروزه احساس امنیت و آرامش در روابط صمیمانه بین زن و شوهر به سستی گراییده و خانواده به گونه فزاینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده است. در حال حاضر، طلاق توجه بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان مسائل اجتماعی را به خود جلب کرده است. مسلماً هر شرایطی که برای زنان به‌منزله کنش‌گران فعال، تأثیرگذار و البته تأثیرپذیر پیش آید، واکنش و پیامدهایی به همراه دارد که عواملی بسترساز این شرایط و پیامدها بوده‌اند. زنان با قرار گرفتن در این موقعیت با مشکلاتی مواجه می‌شوند که بدون شک بر خانواده و جامعه نیز آسیب‌های فراوانی وارد می‌کند؛ روابط فرازنشویی، افزایش طلاق قانونی، خشونت، خودکشی و... از معضلات اجتماعی‌ای هستند که ممکن است در نتیجه طلاق عاطفی حاصل شود.

زمینه‌ها، نحوه مواجهه زنان با این پدیده و همچنین پیامدهای آن که طلاق عاطفی می‌تواند برای زنان، خانواده و جامعه داشته باشد می‌توان با نگاه تفسیری بهتر شناخت. در این رویکرد، می‌توان به معنای ذهنی افراد دست یافت. اگرچه در زمینه طلاق عاطفی پژوهش‌هایی انجام شده، پژوهش حاضر سعی کرده به درک افراد از طلاق عاطفی و همچنین نوع مواجهه با این پدیده بپردازد. با توجه به شواهد و گزارش‌های مسئولان و کارشناسان مسائل اجتماعی<sup>۱</sup> در مورد مسئله بودن طلاق عاطفی و در پی آن با مراجعات متعدد به میدان مطالعه شده و گفت‌وگو با افراد مختلف درباره مسائل خانواده‌ها سردی روابط زن‌شویی به‌منزله یکی از مسائل درخور تأمل و بررسی عنوان شد. به همین دلیل، بر آن شدیم به بررسی پدیده مذکور در شهر یزد بپردازیم. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که زمینه‌های به‌وجودآورنده طلاق عاطفی کدام‌اند، زنان چگونه با طلاق عاطفی کنار می‌آیند و آن را مدیریت می‌کنند؟

۱. با توجه به پنهان بودن پدیده طلاق عاطفی و همچنین عدم امکان ثبت آن، آمار رسمی از میزان طلاق عاطفی در کشور وجود ندارد. همچنین، تحقیقات پیمایشی انجام شده تاکنون آمار قابل استنادی ارائه نداده‌اند.

## مروری بر تحقیقات پیشین

با توجه به شرایط معاصر در خانواده‌ها و روابط بین زوجین، در سال‌های اخیر در زمینه طلاق عاطفی مطالعاتی انجام شده است که در ادامه به برخی از این مطالعات و عناوین مشابه اشاره می‌شود.

باستانی و همکاران (۱۳۸۹) [۲] در پژوهشی با عنوان «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی» طلاق عاطفی را بین زنان شهر تهران با استفاده از روش نظریه مبنایی بررسی کردند. نتایج این پژوهش پیچیدگی و تنوع تجربه‌های زنان را نشان می‌دهد و این نظر را که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در طلاق عاطفی در تعامل هستند، تأیید می‌کند. آزادی و همکاران (۱۳۸۹) [۱] در پژوهشی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران را ارزیابی کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رسیدگی بیش از حد همسر به فرزندان و ظاهر نامناسب همسر، چه از نظر زیبایی و چه از نظر پوشش، با طلاق عاطفی منطبق است. همچنین، نارضایتی جنسی زوجین در طلاق عاطفی مؤثر است. محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) [۱۳] در مطالعه‌ای عوامل مؤثر بر نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق را در شهر کرمانشاه به روش کیفی در میان ۲۸ زوج متقاضی طلاق بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که دو دسته از عوامل، نارضایتی زناشویی را رقم می‌زنند: عوامل قبل از ازدواج شامل ازدواج با انگیزه نامناسب و ازدواج اجباری و عوامل پس از ازدواج شامل تعارض با خانواده همسر، حضور اندک شوهر در منزل و تداوم معاشرت‌های مجردی و... . یزدانی و همکاران (۱۳۹۲) [۱۴] در پژوهشی با استفاده از روش پیمایش به تحلیل کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی در شهر کرد پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین طلاق عاطفی و شش بُعد کیفیت زندگی زنان (احساس فردی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، کیفیت سلامت، رضایت از شرایط محیطی و رضایت از شرایط اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد. قریشی و همکاران (۱۳۹۳) [۹] در مطالعه‌ای فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در شهر سقز را با استفاده از رویکرد کیفی بررسی کردند. براساس نتایج این مطالعه، حضور ارزش‌های جدید، نگرش‌های افراد را در خصوص طلاق تحت تأثیر قرار داده است.

آماتو و پرویتی (۲۰۰۳) [۱۵] در پژوهشی دلایل مردم برای طلاق را در دانشگاه پنسیلوانیا و بین افراد متأهل ۵۵ ساله و جوان‌تر به روش کیفی بررسی کردند. در این بررسی، پیمان‌شکنی در شکل روابط جنسی نامشروع بالاترین درصد در بین عوامل مؤثر بر طلاق را به خود اختصاص داد. هیلر (۲۰۰۳) [۱۹] در پژوهشی با عنوان «تغییر در الگوهای طلاق؛ فرهنگ و قانون» به تأثیر متقابل بین تغییرات نرخ طلاق، قوانین مربوط به طلاق و فرهنگ پذیرش طلاق پرداخته است. از نظر وی، قانون طلاق از طریق مکانیسم فرهنگی که از سوی رأی اکثریت انتخاب می‌شود تغییر کرده است. همچنین، شوک‌های اقتصادی از طریق تحولات فرهنگی نرخ طلاق را افزایش می‌دهد. ویتانن (۲۰۱۰) [۲۱] در پژوهشی با عنوان «انقلاب

طلاق و اعتماد عمومی»، به بررسی اثر قرار گرفتن در معرض فرهنگ طلاق آسان تر به منزله جزئی بر اعتماد عمومی با استفاده از روش پیمایش پرداخته است. با توجه به نتایج به نظر می‌رسد طلاق بر سطح اعتماد در سراسر ایالات متحده تأثیر داشته است. گابریلا (۲۰۱۳) [۱۷] در پژوهشی به بررسی رابطه بین ارتباطات و زناشویی پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین تورم اقتصادی، ناامنی اجتماعی و تعرض بین روابط زن و شوهر و افزایش نرخ طلاق رابطه مثبت وجود دارد.

## مبانی نظری

در تحقیقات کیفی، از نظریه‌ها به منزله راهنمایی نظری برای تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مورد مطالعه و حساسیت نظری [۱۶] استفاده می‌شود. در اینجا نیز به منظور آشنایی با مفاهیم و دیدگاه‌های موجود، برخی از نظریه‌ها مرور شده است.

صاحب نظران نظریهٔ برساخت‌گرایی اجتماعی<sup>۱</sup> مسائل اجتماعی را ناشی از تعاریف ذهنی و شرایط عینی می‌دانند. این رویکرد به دنبال پاسخ به این سؤال‌هاست که چرا گروه‌های مختلف مردم، معناهای متفاوتی را به یک مسئله نسبت می‌دهند و چگونه این معناها بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند. این رویکرد در تلاش است به صورتی پدیدارشناسانه به بخش اندرونی ذهن افراد مصاحبه‌شونده وارد شود و به مقولات و مفاهیمی مانند آگاهی، نگرش، احساس، درک و دریافت و عقیده آن‌ها به مسئله اجتماعی بپردازد [۶، ص ۵۱]. براساس این نظریه، افراد درگیر طلاق، طبق پنداشتی که از واقعیت طلاق دارند و تفسیری که در هر موقعیت از آن به عمل می‌آورند، پدیدهٔ اجتماعی طلاق را می‌سازند [۸، ص ۹]. براساس نظریهٔ برساخت‌گرایی اجتماعی، طلاق عاطفی به منزلهٔ پدیده‌ای اجتماعی، خود را به مثابهٔ واقعیتی به نمایش می‌گذارد که به وسیلهٔ افراد تعبیر و تفسیر می‌شود و نکتهٔ درخور تأمل در اینجا این است که زندگی زوجها آن‌گونه که هست مهم نیست، بلکه تعریف آن‌ها از این زندگی مهم است.

گیدنز در نظریهٔ خانوادهٔ دموکراتیک<sup>۲</sup> دربارهٔ متداول شدن طلاق چندین عامل را دخیل می‌داند که به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر مربوط می‌شوند. به زعم وی، با افزایش استقلال اقتصادی زنان، ازدواج کمتر مشارکتی ضروری اقتصادی مانند گذشته است. اکنون در صورت نارضایتی از زناشویی، آسان‌تر از آنچه در گذشته ممکن بود، می‌توان خانهٔ جداگانه‌ای تشکیل داد [۱۱، ص ۴۳۸]. به نظر گیدنز، افزایش میزان طلاق نمی‌تواند نشان‌دهندهٔ نارضایتی عمیق به خود ازدواج باشد، بلکه نشانهٔ عزم بیشتر برای تبدیل ازدواج به رابطه‌ای ثمربخش و ارضاکنده است [۱۱، ص ۴۳۹]. آنچه امروزه در خانواده‌ها در حال رخ دادن است، حداقل امکانی است که گیدنز

1. social construction theory

۲. به نقل از اولسن و دفراین، ۲۰۰۶، ۲۴۸-۲۴۶.

آن را «دموکراسی احساسات» می‌نامد. دموکراسی احساسات، قرار دادن زندگی روزمره در موازات با معیارهای دموکراسی است. مدل‌های دموکراسی از دیدگاه گیدنز عبارت‌اند از: ۱. برابری: در روابط جنسی یا شخصی؛ ۲. استقلال شخص دیگر: مردم رابطه آزاد و مستقلى با یکدیگر دارند که در آن، آن قدر آزادی دارند تا چگونگی فضای شخصی را درون این روابط تعیین کند؛ ۳. احترام: یعنی اینکه شما به نیازها و علایق شریک خود در رابطه احترام می‌گذارید؛ ۴. ارتباط اساسی با شخص دیگر در یک رابطه خوب: این کار به معنای آشکار کردن خود برای اشخاص دیگر است؛ رابطه خوب فارغ از خشونت [۱۲، ص ۸۵].

موری بوون مبدع نظریه نظام‌های خانواده، خانواده را واحدی عاطفی و شبکه‌ای از روابط درهم تنیده می‌پندارد [۱۰، ص ۲۰۷] و بر نقش نظام عاطفی خانواده تأکید می‌ورزد. به نظر او، روابط درهم تنیده خانواده تحت فرمان همان نیروهای تعادلی هستند که در همه نظام‌های طبیعی وجود دارند. به نظر بوون، از لحاظ خانواده، وقتی خانواده‌ای در گیرودار چالش با نیروهای معطوف به وحدت و تفرّد است، لاجرم اضطراب برانگیخته می‌شود. اگر وحدت و استقلال غلبه کند، خانواده به سوی کارکرد عاطفی بیشتر رهنمون می‌شود و خود پیروی فردی کاهش می‌یابد. در یک نظام خانوادگی، تنش‌های عاطفی در طی زمان تغییر می‌کنند و به صورت مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها و انشعاب‌ها جلوه‌گر می‌شوند و سلامت روانی زوجین به مخاطره می‌افتد. به نظر بوون، هشت نیرویی که کارکرد خانواده را شکل می‌دهد، عبارت‌اند از: ۱. تفکیک خویشتن؛ ۲. مثلث‌ها؛ ۳. نظام عاطفی خانواده هسته‌ای؛ ۴. فرایند فراقکنی خانواده؛ ۵. گسلس عاطفی؛ ۶. فرایند انتقال چندنسلی؛ ۷. جایگاه همشیره‌ها؛ ۸. واپس‌روی اجتماعی [۱۰، ص ۲۰۷]. از نظر وی، هدف اصلی تفکیک خویشتن، توازن میان احساسات و شناخت است. تفکیک در حکم مسیر زندگی است نه یک حالت وجودی یا بودن. بوون معتقد است افرادی که قادر نیستند افکارشان را از احساسات تفکیک کنند، به‌سادگی در عواطف حاکم یا جاری خانواده حل می‌شوند. وقتی دل‌بستگی‌های عاطفی خودکار در برابر خانواده دست‌نخورده باقی می‌مانند، فرد در تفکیک خویشتن از خانواده و تبدیل شدن به موجودی برخوردار از کارکرد مؤثر بازمی‌ماند [۱۰].

## روش پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی با رویکرد تفسیری و به روش نظریه زمینه‌ای است. در نظریه زمینه‌ای، ساخت نظریه مبتنی بر داده‌هاست [۱۸، ص ۳۲]. در این پژوهش، نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی و هدفمند آغاز شد و تا سطح اشباع داده‌ها ادامه یافت. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یافته است [۱۸، ص ۶۱]. داده‌های این مطالعه حاصل ۳۳ مصاحبه

نیمه‌ساخت یافته با زنان درگیر طلاق عاطفی در شهر یزد است که از نظر سن، تحصیلات، تعداد سال‌های زندگی مشترک، اختلاف سنی با همسر و... متفاوت بودند. فرایند تجزیه و تحلیل به صورت هم‌زمان و مستمر با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت. ضبط مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان انجام شد. قبل از مصاحبه، درباره موضوع، هدف تحقیق، روند کار، رعایت اصول اخلاقی و... به افراد نمونه توضیحاتی داده شد. برای یافتن افراد نمونه از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. به این صورت که ابتدا از طریق معرفی دوستان به یک فرد از افراد نمونه دسترسی پیدا کردیم و بقیه افراد نمونه به تدریج و از طریق خود افراد درگیر طلاق عاطفی به پژوهش‌گر معرفی شدند. بیشتر افراد هنوز با همسر خود در یک مکان مشترک زندگی می‌کردند و در بیشتر موارد هم‌زیستی اجباری باهم داشتند. تعداد معدودی از مشارکت‌کنندگان مطلقه بودند، ولی تجربه طلاق عاطفی را داشتند. معیار شناسایی و تجربه طلاق عاطفی در زنان از طریق گفت‌وگوهای اولیه و با سؤالاتی از قبیل میزان رضایت از زندگی زناشویی، چگونگی و کیفیت تعامل با همسر، میزان و چگونگی گذراندن اوقات خود با همسر، گفت‌وگو با همسر در مورد مسائل مختلف، مشکل عمده در زندگی زناشویی... قبل از انتخاب هریک از آن‌ها به عنوان نمونه صورت گرفت. در انتخاب نمونه‌ها، تلاش شد معیار حداکثر تنوع نیز لحاظ شود. به همین دلیل، تا حد امکان از مناطق مختلف شهر یزد نمونه‌هایی انتخاب و مطالعه شد. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، در سه مرحله کدگذاری باز (روند خرد کردن، مقایسه کردن و مقوله‌بندی کردن داده‌ها)، کدگذاری محوری (مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز طرح شد و در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل شدند) و کدگذاری گزینشی (در این مرحله مقولاتی که برای ساختن چارچوب نظری اولیه تنظیم شد با یکدیگر ترکیب می‌شوند) انجام گرفت. در این پژوهش، برای اطمینان از صحت و پایایی داده‌های کیفی حاصل شده از معیارهای مطرح شده از سوی لینکلن و گوبا، یعنی معیارهای اعتبار‌پذیری، قابلیت اطمینان، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری [۳، ص ۶۵-۶۶]، استفاده شد. برای این منظور درگیری طولانی‌مدت پژوهش‌گر با موضوع پژوهش و داده‌ها و نیز مشاهده کدهای استخراج شده و متن مصاحبه‌ها از سوی چند تن از مشارکت‌کنندگان تأییدی بر اعتبار‌پذیری پژوهش بود. قابلیت اطمینان با نسخه‌نویسی در اسرع وقت، ثبت دقیق کلیه مراحل پژوهش از سوی پژوهش‌گر مدنظر قرار گرفت. برای تأییدپذیری پژوهش بخش‌هایی از متن مصاحبه‌ها به همراه کدها، مفاهیم و مقولات استخراج شده مورد ارزیابی ناظران آشنا به روش تحقیق کیفی قرار گرفت. همچنین، در این مطالعه از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع، که به افزایش انتقال‌پذیری نتایج کمک می‌کند، استفاده شد.

## یافته‌های پژوهش

به‌منظور ارائه تصویری ذهنی از مشارکت‌کنندگان، خلاصه‌ای از مشخصات زمینه‌ای و کلی آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	نام	سن	تحصیلات	سن در هنگام ازدواج	وضعیت اشتغال	اختلاف سنی با همسر	تعداد فرزند
۱	زهرا	۲۳	فوق دیپلم	۱۹	خانه‌دار	۲	۱
۲	زهرا	۲۷	دیپلم	۱۸	فروشنده	۳	۳
۳	ویدا	۲۵	ارشد	۲۳	خانه‌دار	۵	۰
۴	زیور	۲۲	سیکل	۱۷	خانه‌دار	۰	۲
۵	مهسا	۲۴	سیکل	۲۲	خانه‌دار	۴	۱
۶	پروانه	۳۴	ابتدایی	۲۸	خانه‌دار	۵	۲
۷	مینا	۲۸	سیکل	۲۴	خانه‌دار	۱۴	۱
۸	میترا	۲۹	کارشناسی	۲۳	معلم	۰	۲
۹	فاطمه	۴۵	بی‌سواد	۳۷	خانه‌دار	۷	۲
۱۰	فرشته	۳۸	سیکل	۲۰	خانه‌دار	۸	۴
۱۱	مهناز	۵۵	دیپلم	۱۸	خانه‌دار	۳	۵
۱۲	لیلا	۳۷	دیپلم	۲۵	خانه‌دار	۵	۳
۱۳	مریم	۳۶	دیپلم	۳۲	خانه‌دار	۹	۱
۱۴	فاطمه	۳۷	دیپلم	۱۹	خانه‌دار	۶	۴
۱۵	محبوبه	۳۵	کارشناسی	۲۹	مهندس	۴	۱
۱۶	یلدا	۳۳	کارشناسی	۱۹	معلم	۵	۳
۱۷	مرضیه	۲۴	فوق دیپلم	۱۸	خانه‌دار	۶	۲
۱۸	افسانه	۳۶	کارشناسی	۲۵	خانه‌دار	۱	۳
۱۹	فائزه	۳۹	دیپلم	۱۷	فروشنده	۵	۴
۲۰	لیلی	۲۷	ارشد	۲۴	فروشنده	۲	۰
۲۱	پروین	۳۲	فوق دیپلم	۲۲	خانه‌دار	۶	۳
۲۲	شیدا	۲۰	ابتدایی	۱۶	فروشنده	۸	۱
۲۳	ریحانه	۳۱	کارشناسی	۲۶	پرستار	۴	۱
۲۴	مهدیه	۱۹	سیکل	۱۷	طراح پارچه	۷	۰
۲۵	سحر	۱۸	دیپلم	۱۴	فروشنده	۵	۲
۲۶	سمیرا	۲۰	سیکل	۱۷	خانه‌دار	۳	۱
۲۷	ناهید	۳۶	کارشناسی	۲۳	کارمند	۴	۳
۲۸	نرگس	۲۵	دیپلم	۱۸	نظافتچی	۱۰	۲
۲۹	منیره	۲۷	کارشناسی	۲۲	منشی	۷	۱
۳۰	سمانه	۳۰	سیکل	۱۹	خانه‌دار	۵	۳
۳۱	مائده	۳۰	کارشناسی	۲۴	کارمند	۸	۱
۳۲	فریبا	۴۳	دیپلم	۱۸	فروشنده	۶	۴
۳۳	سعیده	۳۹	کارشناسی	۲۳	کارمند	۳	۳

با وارد کردن داده‌ها به فرایند کدگذاری، مفاهیمی به دست آمد که از طریق آن‌ها فهم و تفسیر زنان از طلاق عاطفی، زمینه‌ها، استراتژی‌های مواجهه مشارکت‌کنندگان با این پدیده، پیامدها و همچنین حمایت محوری به منزله نوعی راهکار از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها آشکار شد. مقوله هسته‌ای حاصل از بررسی مفاهیم و مقوله‌ها، خلأ ارتباطی- حمایتی است. یافته‌های تحقیق در قالب مفاهیم، مقوله‌های محوری و هسته‌ای دسته‌بندی و به شرح ذیل بیان می‌شود.

### جدول ۲. مقولات و مفاهیم طلاق عاطفی به مثابه خلأ ارتباطی- حمایتی

مفاهیم	مقوله
خانواده سرکوبگر، شکست عاطفی، فشار ساختاری واقعیت‌گریزی، کلیشه‌های فرهنگی تقدیرگرایی، خطای هاله‌ای	خانواده نابسامان تقدیرگرایی
ناهمسان‌همسری، تفاوت اعتقادی- فرهنگی، ازدواج احساسی، ازدواج پنهانی، ازدواج بحران‌گريزانه، خودمحوری در ازدواج، ازدواج بدون شناخت، ازدواج تحمیلی، ازدواج مصلحتی	ازدواج ناهمسان
تنهایی، عدم گفت‌وگو، عدم همدلی و خجالتی‌بودن بی‌علاقگی، عادی‌شدن، عدم پذیرش از سوی خانواده همسر، آزرده‌گی، بی‌بازاری، زندگی اجباری، فاصله گرفتن، بی‌توجهی، بی‌وفایی، عدم اطمینان، دعوا، عصبانیت، احساس تنهایی، عذاب‌آور بودن	فقر عاطفی دل‌زدگی زناشویی
بی‌محلّی، تحویل‌نگرفتن، هم‌زیستی اجباری، قهر، عدم پاسخ‌گویی به نیاز، سردی رابطه عاطفی، جروبحث، ناامیدی، کابوس، حسرت خوردن، عدم مشورت در کارها، عدم احساس مسئولیت متقابل، محبت‌نکردن و بی‌بازاری	فرسایش روابط زناشویی
ضعف عواطف زوجین، روابط جنسی فرازناشویی، روابط فرازناشویی انتقام‌جویانه، روابط فرازناشویی مجازی، توهم خیانت	ضعف تعهد همسری
اختلال ارتباطی، انحراف‌زایی رسانه، هراس رسانه‌ای سازش، انعطاف‌پذیری	رسانه مخاطره‌آمیز کنش سازگاران
مدیریت بدن، سعی در تغییر خود طلاق، خودکشی، انزوا، اعتیاد	کنش اصلاحی کنش پنهان‌سازی
تلافی‌جویی، خشونت، بی‌تفاوتی	کنش تلافی‌جویانه

## شرایط زمینه‌ای

### ۱. خانواده نابسامان

با تجزیه و تحلیل گفت‌وگوهای تعاملی با مشارکت‌کنندگان می‌توان ادعا کرد که بخشی از زمینه‌های شکل‌گیری طلاق عاطفی در زمینه خانواده‌گی فرد قبل از ازدواج قرار دارد؛ طلاق والدین، مرگ والدین، فقر و مشکلات اقتصادی، سخت‌گیری خانواده، مشاجره و درگیری از عواملی هستند که نابسامانی خانواده را موجب می‌شوند. این عوامل تصمیم‌گیری فرد در رابطه



با ازدواج و انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ادامه، برای شاهد مثال نمونه‌هایی از اظهارات افراد نمونه آمده است:

... از همون بچگی بدبخت بودم، اون از خونه پدری‌ام این هم از خونه شوهرم. تو خونه ما مدام جنگ و مزاج بود، داد و بیداد بود، فحش بود، دشنام بود، بگیر و ببند بود... پدرم می‌رفت و نمی‌تونست کار کنه از ما تقصیر می‌گرفت. اگه دختر همسایه شوهر می‌کرد، مامانم من رو دعوا می‌کرد... حتی اگه پول آب و برق و گاز می‌اومد، پدرم شروع می‌کرد به کتک‌زدن مامانم که زیاد اومده و تو بچه‌ها رو خوب تربیت نکردی... همیشه با فحش دادن‌های بابام، همسایه‌ها تو خونه ما می‌ریختن... (زهرا).

... قبل از اینکه مامانم طلاق بگیره، با اینکه هرروز باهم دعوا می‌کردن، احساس تنهایی نمی‌کردم، ولی از وقتی مامان طلاق گرفت، تنها شدم... از طریق دوست‌هام با پسری آشنا شدم که ۱۰ سال ازم بزرگ‌تر بود. بابام راضی نمی‌شد که من رو به عقدش دربیاره، ولی با اصرار خودم بلاخره راضی شد... (نرگس).

## ۲. تقدیرگرایی

این مقوله به طرز تفکر و نگرش فرد یا خانواده او در هنگام انتخاب همسر و تصمیم‌گیری برای ازدواج مربوط است. با قدری تأمل در صحبت‌های مشارکت‌کنندگان تعدادی از آن‌ها به جای آنکه واقع‌بینی را در انتخاب همسر و در جریان زندگی زناشویی سرلوحه کار و زندگی خود قرار دهند، به تخیل‌گرایی یا توسل به تقدیر روی آورده بودند. فائزه یکی از افراد نمونه است که ۳۹ سال دارد. او مدام در حرف‌هایش کلمه‌هایی نظیر سرنوشت، قسمت و... را تکرار می‌کرد. ادامه بخشی از گفت‌وگوهای فرد مذکور آمده است:

... یه جورایی انگار این قسمت من بوده، سر راه من قرار گرفته بود... از نامزدی تا ازدواج چند بار باهم رابطه‌مون خیلی خراب شد و می‌خواستیم از هم جدا شیم. بیشتر مشکل از اون بود. زود عصبی می‌شد، فحش می‌داد. ولی هرچی فکر کردم، دیدم انگار این قسمت منه. فکر می‌کردم خدا این رو دست من داده، باید باهش بسازم. حتماً حکمتی در این بوده که من این‌جوری بدبخت شم و زجر بکشم. وگرنه همه که این‌جوری نیستن. خیلی‌ها با شوهرهاشون خوش‌ان. این هم سرنوشت من بوده. من که نمی‌تونستم جلوش رو بگیرم...

## شرایط علی

### ۱. ازدواج ناهمسان

بسیاری از افراد نمونه، که هم‌اکنون با طلاق عاطفی دست‌وپنجه نرم می‌کردند، در واقع کسانی بودند که بنا بر گفته‌های خودشان در ازدواج و انتخاب همسر ریسک کرده بودند. بعضی از

مشارکت‌کنندگان ریسک ناهمسان‌همسری را پذیرفته بودند، برخی از آن‌ها به روی واقعیت‌هایی مثل فاصله طبقاتی با خانواده همسر، اختلاف سنی، اختلاف تحصیلی و تفاوت در محل سکونت چشم بسته بودند و بدون توجه به تفاوت‌های گفته شده یا سهل‌انگاری در این زمینه به ازدواج اقدام کرده بودند. تعدادی از مشارکت‌کنندگان نیز تن به ازدواجی احساسی، پنهانی یا تحمیلی داده بودند. در ادامه، به نمونه‌هایی از اظهارات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود:

... کسی فکر نمی‌کرد من به‌عنوان یه مهندس با زیردست خودم ازدواج کنم. همسرم یه راننده بود، یه توزیع‌کننده... با اینکه از غرورم گذشتم و خیلی‌ها تیکه‌بارونم کردن، ولی ایشون سر سازگاری با من نداره. می‌شه گفت سطح تفاهم ما به صفر رسیده... (محبوبه).

...خانواده من شدیداً مذهبی هستند. پدرم مسجدیه، دو تا از برادرهام هم تحصیلات حوزوی دارن. خودم هم تا اندازه‌ای رو اعتقاداتم حساسم. وقتی همسرم اومد خواستگاری خودش رو به‌عنوان یه آدم مذهبی و معتقد به ما نشون داد، ولی حالا اصلاً این جووری نیست. می‌گه من مسلمون نیستم، خدا رو هم قبول ندارم... (افسانه).

## ۲. ضعف تعهد همسری

از واکاوی مصاحبه‌های انجام‌گرفته این نتیجه حاصل شد که یکی از زمینه‌های بروز و در برخی موارد یکی از پیامدهای طلاق عاطفی، ضعف تعهد همسری و گسترش روابط فرازنشویی است؛ برای نمونه، ویدا ۲۵ ساله و کارشناسی ارشد است که همسرش تحصیلات دکتری دارد. وی در اظهارات خود از کم‌رنگ‌شدن تعهد همسری سخن به میان می‌آورد:

... وقتی دیدم شوهرم به راحتی بهم خیانت می‌کنه، سراغ صمیمی‌ترین دوست شوهرم رفتم که تلافی کنم و بهش ضربه بزنم. باهش طرح دوستی ریختم. وقتی که همسرم نسبت به من بی‌وفایی می‌کنه و تمام قول و قرارهامون رو زیر پا می‌ذاره، طبیعیه که هرکی در موقعیت من قرار بگیره همین کار رو بکنه. مخصوصاً نسبت به کسی که این همه بهش اعتماد داشته باشی و از حسن رفتارت سوءاستفاده کنه...

## شرایط مداخله گر

### رسانه مخاطره‌آمیز

مقوله رسانه مخاطره‌آمیز حاصل آرا و دیدگاه‌های آن دسته از مشارکت‌کنندگان است که بر کارکرد منفی رسانه و نقش و تأثیر آن در به‌وجودآمدن طلاق عاطفی از طریق اختلال ارتباطی، انحراف‌زایی و هراس رسانه‌ای تأکید داشتند.

... دوستانم اغفالم کردن که برنامه ماهواره خیلی آموزش‌دهنده است. اون‌ها می‌گفتن خیلی زندگی‌شون فرق کرده. من هم وسوسه شدم و ماهواره گرفتم... شوهرم رو تنوع طلب کردم... فکر نمی‌کردم به این راحتی زندگی‌ام نابود شه... دیگه همسرم از بودن با من احساس خوبی نداره، همش سعی می‌کنه من رو طلاق بده که خودم زیر بار طلاق نمی‌رم... (پروانه).

... یه روز اتفاقی توی مسنجر شوهرم چت‌های خیلی زشتی دیدم که اعصابم رو به هم ریخت. قبلاً بهش مشکوک شده بودم، ولی می‌گفتم مگه بچه‌اس یا مجرد که نگران بشم. ولی از وقتی این چت‌ها رو دیدم، خیلی اضطراب و استرس دارم... مطمئن نیستم فقط رابطه‌شون در حد همین چت کردن باشه... (یلدا).

## تجربه و درک زنان از طلاق عاطفی

### ۱. فقر عاطفی

این مقوله به کمبود ابراز احساسات و عواطف بین مشارکت‌کنندگان اشاره دارد. با توجه به اظهارات افراد مطالعه‌شده، کنش و تعاملات کلامی و فیزیکی بسیار پایین، هم‌زیستی اجباری و جدایی احساسی و فیزیکی را می‌توان معادل این مقوله دانست.

... اسممون به‌دروغ زن و شوهر دررفته... باهم نه می‌شینیم، نه حرف می‌زنیم. البته جز دادوبیداد و به‌ضرورت... (زهرا).

... انگار من واسه‌ش یه غریبه‌ام. هرچه فکر می‌کنم کوتاهی از من سر زده، اون‌قدر غصه می‌خورم مریض و کسل شدم... خودش رو به بی‌خیالی می‌زنه، من هم دیگه خسته شدم... (سمیرا).

### ۲. دل‌زدگی زناشویی

مقوله دل‌زدگی زناشویی در این پژوهش به این معناست که در جریان زندگی، صمیمیت و عشق در روابط زناشویی میان همسران به تدریج روبه زوال می‌رود و احساس خستگی و ناامیدی می‌کنند و از هم‌دل‌زده و سرخورده می‌شوند.

... همسرم مثل سابق من رو دوست نداره. نه تلفنی، نه نوازشی، نه محبتی و نه صمیمیتی. کمتر باهام حرف می‌زنه. وقتی حرف می‌زنه، اصلاً بهم نگاه نمی‌کنه. انگار مجبوره حرف بزنه. وقتی می‌خوام رفتار محبت‌آمیزی نسبت بهش انجام بدم، نمی‌ذاره خودش رو کنار می‌کشه یا عصبانی می‌شه... (پروانه).

... دوس داشتم مثل این‌همه زن و شوهر یه بار اگه مریض می‌شم بگه خوب شدی؟ می‌خوای ببرمت دکتر؟ اگه به حالت مُردنم برم می‌گه دروغه، باور نمی‌کنه. هیچ‌وقت مثل شوهرهای بقیه نیومد بشینه به حرف‌هام گوش بده، حرف دلم رو بشنوه... (مهناز).

### ۳. فرسایش روابط زناشویی

این مقوله به معنای این است که همه روابطی که بین زوجین برقرار بوده است روبه زوال و نابودی می‌رود و زوجین در قبال هم در زمینه‌های متعدد احساس مسئولیت نمی‌کنند.

... هر کاری بتونه انجام می‌ده که از بودن با من خلاص بشه. اگه کاری واسم انجام می‌ده از مهریه‌ام کم می‌کنه. حتی پول غذا رو هم باهام حساب می‌کنه. می‌خواد با این کارهاش من رو مجبور به طلاق کنه (ریحانه).

... بی‌احترامی می‌کنه، تهمت می‌زنه... بهونه می‌آره، کتکم می‌زنه، بعدش به خونواده‌م زنگ می‌زنه الکی می‌گه دخترتون رو با فلانی دیدم، دیگه نمی‌تونم تحملش کنم... (منیژه).

### راهبردهای کنش

#### ۱. کنش سازگارانه

از طریق گفت‌وگوهایی که با افراد نمونه انجام شد، متوجه تفاوت‌های عمده‌ای در نحوه مدیریت و روبه‌رو شدن با طلاق عاطفی از جانب آن‌ها شدیم. برخی از زنان با تحلیل وضعیت و شرایط خود سعی در حفظ وضع موجود داشتند.

... با همه مسائل و مشکلات دوست دارم زندگی‌م رو حفظ کنم. خیلی‌ها می‌گن طلاق بگیر و خودت رو راحت کن، ولی من به حرف‌هاشون اعتنایی نمی‌کنم... فکر می‌کنم اگه من بتونم به خواسته‌های همسرم توجه کنم و از توقعات خودم کم کنم، وضعیت بهتر می‌شه... (میترا).

#### ۲. کنش اصلاحی

برخی از افراد نمونه در تلاش برای تغییر وضع زندگی خود بودند و برای اصلاح رفتار و آداب معاشرت خود گام برداشته بودند. عده‌ای دیگر مدیریت بدن و بهبود وضع ظاهری خود را به‌منزله راهبردی جهت بهبود شرایط زندگی خود به کار گرفته بودند.

... همسرم از همون اول به شوخی قیافه من رو مسخره می‌کرد. من فک می‌کردم فقط یه شوخیه، ولی هرچه بیشتر پیش رفت، دیدم نه انگار جدیه... با اینکه توی صورت خودم عیب و ایرادی ندیدم، به خاطر حفظ زندگی و رضایت همسرم چند بار صورتم رو جراحی زیبایی کردم... (سعیده).

... یکی از دوست‌هام که مثل من این مشکل رو داشت، رفته بود پیش مشاوره و من رو هم معرفی کرد. چند جلسه رفتم وضعیت روحی‌م بهتر شد. سعی می‌کنم توصیه‌هایی که مشاور می‌کنه رو توی زندگی‌م به کار ببرم... (یلدا).

### ۳. کنش پنهان‌سازی

برخی از زنان مشارکت‌کننده در مواجهه با طلاق عاطفی، سعی داشتند این موضوع را از دیگران پنهان کنند که به نوعی این کنش، سلامت روحی و روانی آن‌ها را در معرض آسیب‌پذیری قرار داده بود.

... دوست ندارم کسی من رو ببینه و بدونه چی به سرم اومده. خیلی وقته که زیاد مهمونی نمی‌رم. هر وقت مراسمی چیزی می‌شه، بهونه‌ای می‌آرم، می‌گم مریضم و... تنهایی رو بیشتر دوست دارم، دوست دارم خودم تنها باشم و گریه کنم... (فرشته).

### ۴. کنش تلافی‌جویانه

عده‌ای از مشارکت‌کنندگان در مواجهه با طلاق عاطفی راهبردی تلافی‌جویانه به کار گرفته بودند:

... از وقتی متوجه شدم که لیاقت خوبی نداره، درست‌بشو نیست و راه خودش رو می‌ره، من هم اصلاً برام مهم نیست و کلاً بی‌خیالش شدم. بودن و نبودنش فرقی نمی‌کنه. من راه خودم رو می‌رم ... (فائزه).

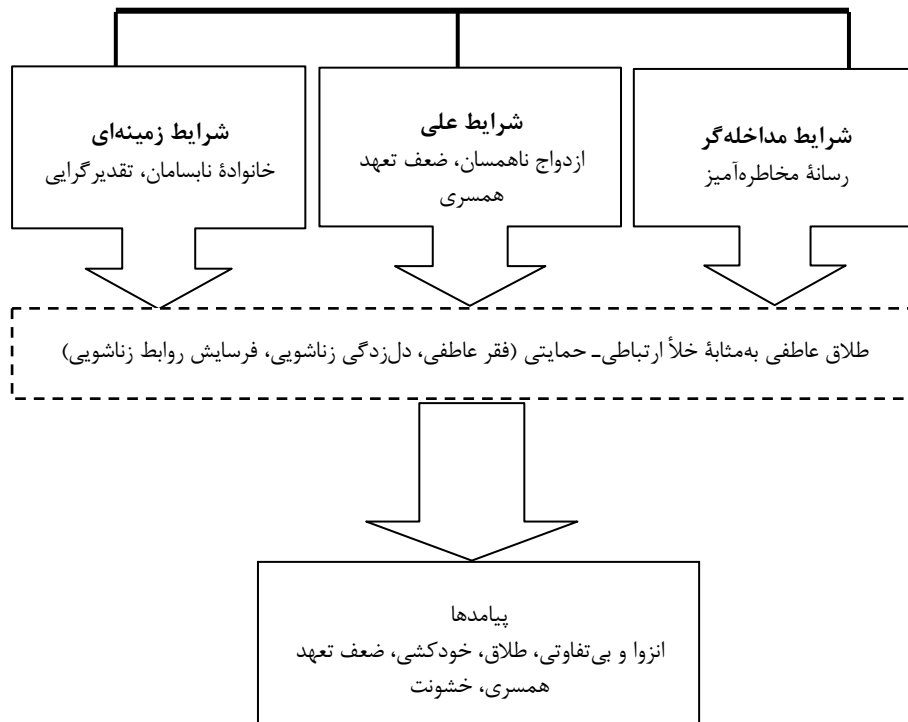
... دیگه در مقابلش کم نمی‌آرم، سکوت نمی‌کنم، جوابش رو می‌دم، داد بزنه رو سرم، من هم دادوبیداد راه می‌اندازم...

### پیامدهای طلاق عاطفی

با توجه به اطلاعاتی که از داده‌ها حاصل شد، می‌توان طلاق، خودکشی، انزوا، بی‌تفاوتی، خشونت و ضعف تعهد همسری را از پیامدهای طلاق عاطفی ذکر کرد؛ که تعدادی از این مقولات در بخش‌های قبل تشریح شد.

### نظریه مبنايي پژوهش

در این بخش، با شرح کامل مدل پارادایمی، روند نتایج برآمده از داده‌های پژوهش شرح داده می‌شود. براساس مدل پارادایمی (تصویر ۱) می‌توان گفت ازدواج ناهمسان و ضعف تعهد همسری شرایط علی برای بروز طلاق عاطفی را فراهم کرده است. خانواده نابسامان جهت‌یاب و تقدیرگرایی به‌مثابه زمینه و رسانه مخاطره‌آمیز به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند.



تصویر ۱. مدل پارادایمی پژوهش

به‌طور کلی، شرایط ذکر شده باعث شده‌اند که زنان در زندگی زناشویی احساس خلأ ارتباطی - حمایتی کنند. مشارکت‌کنندگان با قرار گرفتن در شرایط ذکر شده و پذیرش طلاق عاطفی، تعاملات خاصی را انجام می‌دهند و استراتژی‌های خاصی را اتخاذ می‌کنند. استراتژی‌های مذکور را می‌توان در قالب کنش سازگار، اصلاحی، تلافی‌جویانه و پنهان‌سازی دسته‌بندی کرد. خلأ ارتباطی - حمایتی (طلاق عاطفی) برای زنان درگیر آن پیامدهایی به دنبال دارد؛ مانند: انزوا و بی‌تفاوتی، طلاق، خودکشی، ضعف تعهد همسری و خشونت.

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل داده‌ها می‌توان گفت زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش طلاق عاطفی را به‌صورت خلأ ارتباطی - حمایتی (فقر عاطفی، دل‌زدگی زناشویی و فرسایش روابط زناشویی) تجربه کرده‌اند. بیشتر تأکید آن‌ها بر سردی روابط و تعاملات بین زوجین بود. زنان مورد مطالعه تصویری از زندگی خود را گزارش می‌کردند که در آن عشق، علاقه، صمیمیت و همدلی وجود نداشت و به‌جای آن سکوت، انزوا، نارضایتی، بغض، درد و رنج و در بعضی موارد دیگر خشونت،

بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی فضای زندگی را پر کرده بود. بیشترین عوامل تأثیرگذار در ایجاد حس خلأ ارتباطی در روابط زوجین را می‌توان ناشی از عدم تناسب، عدم تعلق و عدم تأمل دانست. همین وضعیت باعث می‌شود که احساس خلأ عاطفی، جنسی، کلامی و... در آن‌ها شکل بگیرد. در چنین شرایطی، زوجین به‌عنوان کنش‌گران فعال سعی می‌کنند از طریق دیگری این خلأ را پر کنند که در بعضی از موارد به ایجاد روابط فرازنشویی منجر می‌شود. در چارچوبی برساخت‌گرایانه می‌توان گفت زنان، با توجه به وضعیت زندگی زنشویی و موقعیتی که در آن قرار داشتند، پدیده اجتماعی طلاق عاطفی را درک و تفسیر می‌کنند. براساس این نظریه، تعریف و نوع نگاه افراد به زندگی مهم است نه زندگی آن‌ها به‌صورتی که در ظاهر دیده می‌شود. طلاق عاطفی حاصل مجموعه‌ای از زمینه‌ها و شرایط قبل و حین ازدواج از جمله خانواده نابسامان جهت‌یاب، تقدیرگرایی و ازدواج ناهمسان است. این فرایند پس از ازدواج در برخی از موارد با روابط فرازنشویی، خشونت، رسانه مخاطره‌آمیز تقویت می‌شود و تبعاتی مثل ضعف تعهد همسری، انزوا و بی‌تفاوتی، اعتیاد، خودکشی و طلاق را به همراه دارد.

نتایج به‌دست‌آمده در رابطه با عدم تناسب، با نظریه هیل قابل انطباق است. به نظر او، افراد مایل اند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نشود، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و درنهایت جدایی می‌شوند [۴، ص ۴۰-۶۶]. عدم تعلق دربرگیرنده نوعی احساس است که در نتیجه دل‌زدگی زنشویی و فرسایش روابط زنشویی به وجود می‌آید. در این شرایط، زوجین احساس خوبی به هم ندارند و از لحاظ عاطفی و احساسی از یکدیگر فاصله می‌گیرند. می‌توان این مطلب را با نظریه مثلث عشق استنبرگ قابل تطبیق دانست. از نظر وی، از آنجا که طلاق عاطفی رابطه‌ای فاقد صمیمیت است، می‌توان دو نوع رابطه تعریف‌شده، یعنی عشق تهی و عشق ابلهانه، را طلاق عاطفی نامید [۲۰، ص ۲۴۶-۲۴۸]. تأمل‌نکردن را می‌توان در دو برهه زمانی، یعنی قبل و بعد از ازدواج، بررسی کرد. طبق نتایج به‌دست‌آمده، ضعف تعهد همسری یا همان روابط فرازنشویی یکی از زمینه‌ها و همچنین پیامدهای طلاق عاطفی است. می‌توان این نتایج را با نظریه‌های بک و گرنشایم قابل انطباق دانست. بنا به نظر بک و گرنشایم، عشق در زندگی‌های امروزی حالت سیال دارد.

مردم به دلیل عشق ازدواج می‌کنند و به دلیل عشق نیز جدا می‌شوند؛ درحالی‌که از یک طرف تنش‌های میان مردان و زنان بسیار زیاد است، از طرف دیگر امید و ایمان ژرفی به امکان یافتن عشق حقیقی و تحقق آن وجود دارد [۱۲، ص ۲۶۰].

با توجه به نظریه گیدنز، می‌توان یکی از دلایل طلاق عاطفی را تغییرات اجتماعی دانست [۱۱، ص ۴۳۸]. رسانه یکی از عوامل ایجاد تغییرات در حوزه خانواده است. جدا از کارکردها و تأثیرات مثبت، رسانه مخاطراتی نیز با خود به همراه دارد. اختلال ارتباطی، انحراف‌زایی رسانه و هراس رسانه‌ای از موارد آن است که یک عامل تسهیل‌کننده و مداخله‌گر در رخدادن طلاق

عاطفی در جامعه مطالعه شده بوده است. براساس نظریه «دموکراسی احساسات» گیدنز، احساس خلأ ارتباطی- حمایتی در زندگی زناشویی را می توان ناشی از تغییرات اجتماعی گسترده دانست. بنا بر نظر گیدنز، امروزه افراد زندگی روزمره خود را در موازات با معیارهای دموکراسی قرار می دهند. از جمله این معیارها: برابری، استقلال شخصی، احترام و ارتباط فارغ از خشونت است [۱۱، ص ۴۳۸]. هنگامی که افراد زندگی خود را بر این معیارها منطبق نمی بینند، ممکن است در زندگی زناشویی خود احساس ناامیدی و خلأ کنند. در زمینه راهکار، رویکرد مشارکت کنندگان عمدتاً به کنش های حمایتی و تعامل محور معطوف بود. آن ها نقش مهارت های فردی، تعاملات مؤثر زوجین، حمایت های خانواده و حمایت جامعه را در پیش گیری و حل پدیده طلاق عاطفی مؤثر می دانستند.

## منابع

- [۱] آزادی، شهذخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا؛ قلی پور، گلناز (۱۳۸۹). «ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره برداری نفت گچساران»، فصل نامه زن و بهداشت، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۱۷.
- [۲] باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹). «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، س اول، ش ۳، ص ۱-۲۰.
- [۳] حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- [۴] ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش، چ ۸.
- [۵] صدراالاشرفی، مسعود (۱۳۹۱). «آسیب شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیش گیری از آن»، مجله مهندسی فرهنگی، س ۷، ش ۷۳ و ۷۴، بهمن و اسفند.
- [۶] صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۵). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: نشر آن.
- [۷] عبدالهی، محمد و دیگران (۱۳۸۵). بررسی مسائل اجتماعی، تهران: پیام نور، چ ۳.
- [۸] فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۹). ارتباطات انسانی، ج ۱، تهران: رسا.
- [۹] قریشی، فردین؛ شیرمحمدی، داوود؛ برجوند، آوات (۱۳۹۳). «فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته مطالعه موردی شهر سقز»، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۳، ش ۱، ص ۱۹-۳۰.
- [۱۰] گلدنبرگ، ایرنه، گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۵). خانواده درمانی، ترجمه سیامک نقش بندی و حسینی شاهی برواتی، تهران: روان.
- [۱۱] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.



- [۱۲] \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *راه سوم، بازتولید سوسیال دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: شیرازه.
- [۱۳] محسن‌زاده، فرشاد؛ محمد نظری، علی؛ عارفی، مختار (۱۳۹۰). «مطالعات کیفی عوامل ناراضی‌تی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)». فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۳، ص ۴۷-۷.
- [۱۴] یزدانی عباس؛ حقیقتیان، منصور؛ کشاورز، حمید (۱۳۹۲). «تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد)». *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، دوره ۲، ش ۶، ص ۱۸۵-۱۵۹.
- [15] Amato, P. R. & Previti, D. (2003). "People's reasons for divorcing", *Journal of Family Issues*, Vol. 24(5): pp 602-626.
- [16] Corbin, J. & Strauss, A. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousands Oaks, CA: Sage Publications.
- [17] Gabrilia, R. E. (2013). "Study on The Relationship Between Communication and Marital Attachment in Romanian Families", *Journal of Social and Behavioral Sciences*, vol. 84: pp 811-814.
- [18] Glaser, B. & Strauss. A. (1967). *Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. New York: Aldine De Gruyter.
- [19] Hiller, V. & Recoules, M. (2003). "Changes in divorce patterns: Culture and the law", *Journal of International Review of Law and Economics*, Vol. 34: pp 77-87
- [20] Olson, D. Defrain, J. (2006). *Marriage and families*. New York: Mc Graw Hill.
- [21] Vitane, T. K. (2010). "The divorce revolution and generalized trust: Evidence from the United States 1973-2010", <http://dx.doi.org/doi:10.1016/j.irl.2014.02.001>